

جایگاه پاکستان در استراتژی منطقه‌ای آمریکا

ف.م. هاشمی

ویژگی بارز سیاست کنونی آمریکا در منطقه‌ی جنوب و جنوب غربی آسیا، اتکای روزافزون به نظام پاکستان است. روزنامه‌ی «تلگراف» چاپ کلکته به‌درستی خاطرنشان می‌سازد که ارتباط با پاکستان بخشی از استراتژی جهانی آمریکا را تشکیل می‌دهد. در واقع، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد طرح‌های استراتژیک دولت آمریکا در حال حاضر، هر چه بیش‌تر بر پایه‌ی تبدیل پاکستان به ژاندرام امپریالیسم آمریکا قرار دارد. پاکستان به‌طور فزاینده‌ای به‌ابزار بی‌اراده‌ی آمریکا برای حفظ منافع این کشور در این منطقه‌ی وسیع از جهان تبدیل می‌شود. بی‌جهت نیست که «جورج شولتز» وزیر خارجه‌ی اسبق آمریکا، دولت پاکستان را در خط مقدم یک رویارویی نظامی احتمالی قرار داده است. خاک پاکستان، هم‌اکنون به‌مرکز طراحی و اجرای سیاست‌های آمریکایی درباره‌ی ملت افغانستان تبدیل شده است.

واشنگتن کوشش می‌کند در پاکستان، به‌مثابه متحد خود، برای تقویت نفوذ خویش در مناطق همسایه، به‌ویژه در خلیج فارس و خاورمیانه استفاده کند. به‌همین منظور پاکستان، عضو فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکوم) قرار می‌گیرد. فرماندهی مرکزی آمریکا، نوزده کشور را در آسیا، آفریقا و خاورمیانه شامل می‌شود. به‌همین جهت، پنتاگون امیدوار است که بتواند برای نیروهای «واکنش سریع» خود پایگاه‌هایی در کراچی، پیشاور، سارگودا، و گوآدار ایجاد کند. در صورت بروز هرگونه «وضعیت بحرانی» در منطقه، واشنگتن ارتش و نیروی دریایی پاکستان را به‌صورت فعال وارد عمل خواهد کرد. به‌غیر از نیروهای که پاکستان در اختیار ائتلاف ضد عراق قرار داد، اکنون حدود ۱۳۰۰ تن از نیروهای زبده‌ی این کشور از مدت‌ها قبل در عربستان سعودی

مستقر شده‌اند.

این مستشاران «مسلمان»، نقش «کفار» آمریکایی را برعهده می‌گیرند. ایالت‌های متحد به‌عنوان بخشی از همین استراتژی، واحدهای ویژه‌ای را در پاکستان به‌تقلید از «کلاه سبزها»ی خود ایجاد کرده است. ایالت‌های متحد همچنین به‌گسترش شبکه‌ی ایستگاه‌های کنترل الکترونیک در سراسر خاک پاکستان مبادرت کرده است.

اساس همه‌ی این طرح‌ها را، ایجاد یک بلوک سیاسی - نظامی جدید به‌رهبری آمریکا در جنوب و جنوب غربی آسیا تشکیل می‌دهد که پاکستان باید نقش کلیدی در آن بازی کند. (و. د. چوبرا) یک ناظر سیاسی هند، می‌نویسد، پنتاگون اندیشه‌ی تشکیل یک پیمان خاورمیانه‌ای را به‌جای پیمان سنتو، حتا در دوران پس از جنگ سرد نیز کنار نگذاشته است. به‌عقیده‌ی این کارشناس، جای تردید نیست که پاکستان باید نقش محوری را در این پیمان بازی کند. به‌همین منظور، استراتژی‌های واشنگتنی، گسترش روابط اقتصادی و سیاسی میان اسلام‌آباد و نظام‌های محافظه‌کار عرب را تشویق می‌کنند. از سوی دیگر ایالت‌های متحد به‌صورت هرچه فعالانه‌تری از پاکستان در مبارزه علیه‌گرایش‌های ضد آمریکایی و ضدامپریالیستی در کشورهای مسلمان و نیز در جشن عدم تعهد، استفاده می‌کند.

«کمک» اقتصادی و نظامی، هنوز اهرم اصلی واشنگتن برای اعمال نفوذ بر سیاست خارجی اسلام‌آباد است. پاکستان جزو پنج کشوری است که بیش‌ترین «کمک» را از آمریکا دریافت می‌دارند. براساس موافقتنامه‌ای که در مارس ۱۹۸۶ به‌امضا رسید، حجم کل کمک‌های آمریکا به‌پاکستان از ۳۲۰۰ میلیون دلار طی دوره‌ی ۱۹۸۳-۱۹۸۷ به‌حدود ۴۰۲۰ میلیون دلار طی دوره‌ی ۱۹۸۸-۱۹۹۳ رسید که افزایشی ۳۵ درصدی شامل می‌شود. از این مبلغ، حدود ۱۸۰۰ میلیون دلار صرف مقاصد نظامی می‌شده است. در عین حال، بخش بزرگی از «کمک» آمریکا به‌پاکستان نیز با عنوان «نیاز نظامی» صورت می‌گیرد که به‌تقریب نیمی از کل کمک‌های آمریکا را شامل می‌شود.

در حال حاضر، سلاح‌های پیشرفته‌ای که نظام اسلام‌آباد از آمریکا دریافت می‌دارد سلاح‌هایی تهاجمی هستند: موشک‌های «سایدویندر» که بر روی هواپیماهای اف - ۱۶ سوار می‌شدند، موشک‌های دریایی «هارپون»، نفربرهای زرهی، و هلی‌کوپترهای «هوتیزر» و «کبرا» تنها بخش کوچکی از این سلاح‌ها را تشکیل می‌دهند. ایالت‌های

متحد به تازگی موافقت کرده است که ارتش پاکستان را به موشک‌های ضدتانک «کوپرد» که با اشعه‌ی لیزر عمل می‌کنند، مجهز کند.

تمامی شواهد حاکی از آن است بهایی که رهبران پاکستان بابت این «کمک»های اقتصادی و نظامی می‌پردازند، منافع ملی کشورشان است. همان‌طور که «عطاءاله‌خان منگال» نخست‌وزیر سابق ایالت بلوچستان پاکستان گفته است، واشنگتن و اسلام‌آباد درباره‌ی استفاده‌ی آمریکا از تاسیسات بندری بسیار مهم و استراتژیک «مکران» موافقتنامه‌ای سری منعقد کرده‌اند. شبکه‌ی شاهراهایی که کراچی را به این بندر متصل می‌کنند، هم‌اکنون در حال گسترش و نوسازی است. از این راهها، در صورت لزوم برای رساندن تدارکات به نیروهای واکنش سریع استفاده خواهد شد.

نشانه‌های دیگری دال بر تقویت همکاری استراتژیک میان واشنگتن و اسلام‌آباد وجود دارد. کارشکنی پاکستان دریافتن یک راه حل سیاسی شرافتمندانه برای مساله افغانستان و توصیه‌ی این کشور به دولت‌های عرب در مورد به رسمیت شناختن اسرائیل، از جمله‌ی این نشانه‌هاست «اگرچه به تازگی زیر فشار افکار عمومی کشورهای مسلمان منطقه، پاکستان مخالفت خود را با تل آویو و همبستگی خویش را با اعراب اعلام کرد. اما، ارزش این همبستگی در جریان تجاوز وحشیانه‌ی آمریکا به لیبی مشخص شد. در آن زمان اسلام‌آباد، برخلاف تمامی کشورهای در حال توسعه، از محکوم کردن این تجاوز خودداری ورزید.

با وجود مخالفت‌های فزاینده‌ی داخلی، سیاست‌های نظام پاکستان، این کشور، همچنان به گسترش همکاری‌های استراتژیک خود با آمریکا ادامه می‌دهد. در حال حاضر، ارتش، همچنان قدرتمندترین نیروی سازمان یافته در کشور است که می‌تواند اوضاع را در پاکستان تا حد قابل ملاحظه‌ای کنترل کند. نیروهای مسلح همچنان مواضع برتر خود را در زندگی سیاسی کشور حفظ کرده‌اند. «بی نظیر بوتو» نیز ضمن این که سعی دارد به طرق مختلف به رهبری ارتش اطمینان دهد که دولت وی توجه کافی به نیازهای دفاعی مبذول می‌دارد و هزینه‌های نظامی را کاهش نمی‌دهد، در عین حال، در جهت کاستن از نفوذ رهبران ارتش بر حیات سیاسی کشور، گام‌هایی برمی‌دارد. یکی از مهم‌ترین این گام‌ها، برکناری ژنرال «حمید گل» از مقام ریاست سرویس‌های اطلاعاتی این کشور بود که تا حدودی نارضایتی ارتش را برانگیخته است. در عین حال دولت

«بوتو» حداکثر تلاش خود را برای حفظ منافع آمریکا در پاکستان به عمل می‌آورد. در زمان صدارت او، پاکستان از نظر حجم دریافت «کمک» از آمریکا پس از اسرائیل و مصر، مقام سوم را دارا شد.

دست‌نشانده‌ترین کشور «جهان سوم»

«سود خود را افزایش دهید! پاکستان به سرعت در راه اصلاحات اقتصادی گام برمی‌دارد». این سیاست استراتژیک دولت پاکستان است که به‌تازگی «بوتو» در مصاحبه با نشریه‌های «نیوزویک» و «اکنومیست» عنوان کرده است. سال‌ها فساد، بی‌لیاقتی و دنباله‌روی کورکورانه از فرمول‌های توصیه شده‌ی غرب برای «جهان سوم»، اینک از پاکستان کشوری ساخته است با ۱/۷ میلیارد دلار کسری تجاری و ۱۹/۵ میلیارد دلار بدهی خارجی و ۲/۵ میلیارد دلار کسری بودجه.

پاسخ دولت پاکستان به این وضع، به‌حراج گذاشتن کشور است. این دولت، نیز سرانجام مجموعه تدابیر ریاضت‌کشانه‌ای را در پیش گرفت که تحت رسوایی آن سال‌هاست از بام افتاده است: خصوصی کردن موسسه‌های دولتی، محدود ساختن هزینه‌های عمومی و لغو هرگونه کنترل دولتی بر تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور. اما، تبلیغات مشعشع دولتی، چیزی درباره‌ی روی دیگر سکه نمی‌گویند.

ساعت اعمال این تدابیر اقتصادی، که به‌معنای کاهش مزدهای واقعی، افزایش ساعت کار و حاکمیت قوانین جنایی در عرصه‌ی فعالیت صنعتی است، با مساعد ساختن بازار کار برای سرمایه‌گذاران خارجی صورت می‌گیرد. اجرای این تدابیر، به‌ناچار ویران‌سازی زیر‌خدماتی کشور را به‌دنبال خواهد داشت. زیرا با کاهش هزینه‌های عمومی این وجوه به‌ارتش و پلیس اختصاص می‌یابد. نتیجه‌ی این سیاست‌ها، مجرم فرض کردن تمامی قشرهای اجتماع، سرکوب ناراضیان، گسترش فقر عمومی در کشور، و افزایش بیماری‌های واگیر و مرگ و میر نوزادان است. این تجربه، در کشورهایی که چنین سیاست‌هایی را اتخاذ کرده‌اند، بارها و بارها تکرار شده است: شیلی آئنده، آرژانتین نظامیان و انگلیسی‌تاجر، اما به‌سیاست‌های مزبور، به‌سود شرکت‌های چند ملیتی آمریکایی، اروپایی و ژاپنی است.

اجرای این سیاست‌ها، ظهور طبقه‌ای نوکیسه و تجمل‌پرست را در این کشورها

به دنبال دارد. و این تو هم را دامن می‌زند که گویا رفاه و سعادت این افراد، به منزله‌ی رفاه و سعادت همگانی است. اما، واقعیت امر این است که استقلال و حاکمیت یک کشور در اثر اتخاذ این سیاست‌ها، همگی دریای منافع بیگانگان قربانی می‌شود.

«بهبانهای» که برای این تدابیر عنوان می‌شود، افزایش قیمت نفت، توقف وجوه ارسالی از سوی پاکستانی‌های مقیم کشورهای خلیج فارس، هزینه‌های مربوط به بازگشت کارگران مقیم کویت و گسیختگی در امر تجارت با کشورهای حاشیه‌ی خلیج است. اما، علت اصلی اتخاذ تدابیر ریاضیت‌کشانه‌ی دولت پاکستان، به غیر از در نظر گرفتن منافع عاجل نخبگان پاکستانی، تبدیل یک کشور استراتژیک ۱۱۵ میلیونی به کشوری مقروض، ورشکسته و به لحاظ سیاسی ناتوان در «جهان سوم» است.

تاکنون بیش از یک صد بانک، کارخانه و موسسه‌ی دولتی در معرض فروش قرار گرفته است و «بانک تجارت اسلامی»، «بانک متحد» و «حبیب بانک» نیز در لیست فروش قرار دادند. یک صد و ده کارخانه‌ی تولیدی سازنده‌ی مواد شیمیایی، سرامیک، سیمان، کود شیمیایی، اتوموبیل، فولاد، نساجی، فرآورده‌های مهندسی، آرد و کره قرار است در معرض فروش گذاشته شود. علاوه بر این، به سرمایه‌داران پیشنهاد شده است در بخش بنادر، شبکه‌ی نیرو و ارتباطات نیز سرمایه‌گذاری کنند.

این ادعا، که بخش بزرگی از این کارها، به وسیله‌ی سرمایه‌گذاران پاکستانی انجام می‌شود، به ویژه وقتی عجیب می‌نماید که دولت اسلام‌آباد تغییراتی را در قوانین کشور به وجود آورده است که به موجب آن سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا ده درصد دارایی‌های محلی خویش را به تملک خود در آورند. این قوانین، همچنین به سرمایه‌داران پاکستانی اجازه می‌دهد که نسبت به اخذ وام از بانک‌های خارجی اقدام کنند. بر اساس این قوانین، امتیازهای مالیاتی ویژه‌ای نظیر معافیت سه تا پنج ساله از پرداخت مالیات در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار می‌گیرد.

بخش عمده‌ی این سرمایه‌گذاران به وسیله‌ی بانک جهانی، چند بانک ژاپنی و برخی موسسه‌های مالی انگلیسی انجام می‌شود. به تازگی نیز شرکت کره‌ای «داتو درگوب» به سرمایه‌گذاری در پاکستان ابراز علاقه کرده است. به حراج گذاشتن پاکستان را باید در چهارچوب دستورالعمل‌های آمریکا ارزیابی کرد. ایالت‌های متحد، اتخاذ این سیاست‌ها را شرط لازم برای واگذاری کمک چهار میلیارد دلاری خود به این

کشور اعلام کرده است. مقام‌های آمریکا همچنین خواستار توقف پروژه‌ی هسته‌ای پاکستان هستند. از این گذشته، به‌گفته‌ی مقام‌های پنتاگون پاکستان طی چند سال اخیر بیش از یک میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خریده است.

وجود نظام وابسته‌ی پاکستان در منطقه، می‌تواند تا حدودی زمان‌های ناشی از سقوط نظام شاه در ایران را برای آمریکا جبران کند. اکنون این کشور به‌مرکز فعالیت‌های منطقه‌ای «سیا» تبدیل شده است. مرکز اطلاعاتی «سیا» در اسلام‌آباد، فعالیت‌های اطلاعاتی آمریکا را در خلیج فارس، افغانستان و ایران هماهنگ می‌سازد. هم‌اکنون نیروهای پاکستان، همراه با مستشاران نظامی این کشور، در ارتش‌های ۲۲ کشور خاورمیانه و آفریقا «خدمت» می‌کنند.

مجموعه‌ی این سیاست‌ها، پاکستان را در حال حاضر به‌دست‌نشانده‌ترین کشور «جهان سوم» تبدیل کرده است. بدیهی است که اتخاذ مشی مزبور یک سلسله پیامدهای گسترده‌ی اجتماعی و فرهنگی نیز دارد.

مطبوعات زیرضربه

آزادی مطبوعات در پاکستان زیرضربه قرار گرفته است. اگرچه این اتفاق جدیدی در پاکستان نیست و در گذشته نیز بارها و بارها تکرار شده است. اما، آنچه که موجب نگرانی روزنامه‌نگاران شد، ماهیت حمله‌های اخیر است. درگذشته، گردانندگان روزنامه‌ها به‌وسیله‌ی دولت بازداشت و نشریه‌های آنان توقیف می‌شد. اما، امروزه افراد حزب‌های سیاسی، قانونی مورد حمله قرار گرفته و گزارشگران و روزنامه‌نگاران ترور می‌شوند. تاکنون هیچ یک از مسببین این حوادث دستگیر نشده‌اند.

در ۲۳ سپتامبر، دو مرد «کامران‌خان» یکی از خبرنگاران ارشد روزنامه‌ی انگلیسی زبان «نیوز» رادر کراچی با سلاح سرد مورد حمله قرار دادند و وی را به‌شدت مجروح کردند. یک روز بعد «نفیسه هود بوی» خبرنگار روزنامه‌ی «داون» به‌طور تصادفی توانست از توطئه‌ای که علیه جان وی تدارک شده بود، جان سالم به‌در برد. چندی بعد، منزل مسکونی «محمد صلاح‌الدین» سردبیر روزنامه‌ی اردو زبان «تکبیر» به‌وسیله‌ی یک گروه سی نفره به‌آتش کشیده شد. جالب این‌که هنگام وقوع این حادثه، منزل وی به‌وسیله‌ی پلیس حفاظت می‌شد.

از هنگام لغو قانون مربوط به کسب اجازه‌ی انتشار روزنامه در سال ۱۹۸۸، تاکنون تعداد بی‌شماری نشریه در پاکستان منتشر شده است. تنها بیش از ۲۳۰۰ نشریه در پنجاب منتشر می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق این نشریه‌ها، به‌استثنای چند مورد انگشت‌شمار، به‌دنبال چاپ مطالب و عنوان‌های جنجالی هستند بنابراین جای تعجب نیست که تیراژ مطبوعات در این کشور بسیار پایین است و به‌حدود یک‌صد هزار نسخه برای نشریه‌های انگلیسی زبان و ۱/۷ میلیون نسخه برای نشریه‌های اردوزبان می‌رسد. این در حالی است که جمعیت کشور پاکستان حدود ۱۱۵ میلیون نفر است.

مورد «ظفر عباس» گزارشگر روزنامه‌ی «داون» بسیار جالب است. پس از آن که او از وجود افراد مسلح در جنبش مهاجر پرده برداشت، او را به‌نحو وحشیانه‌ای در آپارتمانش در کراچی مورد ضرب و شتم قرار دادند. روزنامه‌ی او نیز مورد تهدید جدی قرار گرفت. اما، صاحبان نشریه‌ی مزبور و اعضای هیات تحریریه‌ی آن به‌جای دفاع از خبرنگار خود، از گزارش وی اعلام براءت و بی‌خبری کردند، آنها حتا پا را از این فراتر گذاشتند و بیانیه‌های جنبش مهاجر را در این رابطه منتشر کردند.

مورد «کامران‌خان» نگران‌کننده‌تر بود. افشاگری او در مورد دخالت آژانس تحقیقات جنایی پاکستان در آدم‌ربایی و اخاذی‌های اخیر در ایالت سند، جنجال برانگیز بود. به‌همین دلیل، وزیر ایالت سند علنی «کامران‌خان» را تهدید کرد.

به‌دنبال حمله به «کامران‌خان» و «نفیسه هودبوی» خبرنگاران پاکستان ضمن ابراز همدردی با ایشان دست به‌یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. روز بعد از این اعتصاب، یک گروه طرفدار جنبش مهاجر، منزل «صلاح‌الدین» را مورد حمله قرار داد. او با انتقاد از «الطاف حین» رئیس جنبش قومی مهاجر که خود را «پیر» می‌نامد و کودکان و بیماران را دعا می‌کند و برای آن‌ها شفا می‌طلبد، خشم طرفداران این گروه را برانگیخته بود. بعضی از طرفداران «الطاف حین» او را به‌مقام خدایی رساند و «محسن» خطاب می‌کنند. این لقبی است که در پاکستان تنها برای پیامبران برگزیده‌ی خدا به‌کار می‌رود.

جنبش قومی مهاجر، محصول رژیم نظامی سابق پاکستان است و گفته می‌شود اعضای آن باید از صافی سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان و آمریکا بگذرانند. برپایه برخی گزارش‌ها، دست‌کم سیصد هزار نفر از اعضای این سازمان، مسلح هستند. جنبش قومی مهاجر دارای هسته‌های شکنجه در کراچی و حیدرآباد است و پانزده نماینده نیز در

مجمع ملی پاکستان دارد. جنبش مزبور، در ائتلاف حاکم بر سند نیز شرکت دارد. دولت کنونی حاکم بر پاکستان، به چند دلیل مایل نیست و یا توانایی کنترل جنبش قوم مهاجر را ندارد. نخست این جنبش از بدو تاسیس خود هم خویش را مبارزه با نیروهای مترقی پاکستان قرار داده است. این سازمان به ویژه در پایگاه خود در حیدرآباد و کراچی، دایم با دیگر احزاب سیاسی پاکستان نیز (از جمله «جماعت اسلامی») در حال کشمکش است.

از سوی دیگر، آنچه که از نظر حزب حاکمه بر پاکستان حایز اهمیت بیش تر است این است که جنبش مهاجر، یکی از اعضای مهم ائتلاف دولتی است و از این گذشته و ارتش بی تمایل نیست که جراید و خبرنگاران کنجکاوی را که حقایق ناخوشایندی را درباره ی فساد در مقام، سیاستمداران و ارتش منتشر می کنند، گوشمالی دهد و جنبش قومی مهاجر این مهم را به بهترین نحو انجام می دهد.

فساد و بی قانونی به جزء لاینفک زندگی در پاکستان تبدیل شده است روزنامه نگاران و جراید نیز از این بیماری در امان نیستند. تهدید و اعمال خشونت علیه خبرنگاران هر روز شدت بیش تری می گیرد. و روزنامه نگاران برای دفاع و تایید مشی دولت مورد تطمیع قرار می گیرند. بسیاری از روزنامه نگاران در ازای عدم افشای زد و بندهای پشت پرده ی مقام های دولتی، از پلیس مقررری دریافت می دادند.

در این موج فساد، کسانی که وارد بازی نشوند، هدف قرار می گیرند. با کمال تاسف این افراد شجاع در هیچ کجا مورد حمایت قرار نمی گیرند. آزادی مطبوعات در پاکستان، تنها به معنای آزادی روزنامه نگار در تطبیق خود با مقررات دولتی است.

کلمبایی دیگر

چهارزانو در مغازه ی خود نشسته است و دو تفنگ «کلاشینکف» بر روی زانوانش قرار دارد. ظاهرش به هیچ وجه به رییس یک باند بزرگ قاچاق مواد مخدر شباهت ندارد. در اطراف مغازه ی چای فروشی او مردان و جوانان بسیاری در حالی که سرگرم گفت و گو هستند، چای خوش طعم و سبز رنگ ایالت سرحد را می نوشند و حشیش دود می کنند. خود او مرغوب ترین حشیش موجود در «جهرود» را در یکی از ۲۵ سیگاری که روزانه می کشد پر می کند. در مقابل او، چهار نوع ماده ی مخدر برای فروش به نمایش گذاشته

شده است. قیمت‌ها نیز بسیار ارزان است: شیخی تنها چهار دلار. در صورتی که مشتری تقاضای خرید یک کیلوگرم یا یک تن داشته باشد، هیچ‌گونه مشکلی نیست و معامله فوری صورت می‌گیرد و جنس تحویل داده می‌شود.

قهوه‌خانه‌ی «باچا» که نشانه‌ی آن پوست بزی است که بر سر در آن آویزان است، تنها چند صد متر با منطقه‌ی آزادی فاصله دارد که محل نفوذ قبیله‌های پاکستان است و دولت مرکزی بر آن کنترل چندانی ندارد. در این منطقه، قوانین قبیله‌ای حاکم است. در «جهرود»، واقع در چند کیلومتری شهر پیشاور مرکز ایالت سرحد پاکستان، هر نوع کالایی در مقابل دریافت بهای آن، قابل تحویل است. مقدار زیادی تفنگ، نارنجک و مهمات در این شهر علنی در معرض فروش گذاشته شده است. از زمانی که شورای قبایل محدودیت‌هایی را بر این تجارت غیرقانونی وضع کرده است، فروشندگان هرویین و مشروبات الکلی، محتاطانه‌تر عمل می‌کنند. اما صاحب‌نظران معتقدند که این محدودیت‌ها نتوانسته است ذره‌ای بر تجارت پر سود هرویین تاثیر بگذارد. مرکز این تجارت در تپه‌های «بار» و «دره خیبر» واقع در منطقه‌ی حایل میان «جهرود» و مرز افغانستان قرار داد. حدود یک‌صد لابرتوار هرویین‌سازی در این منطقه به‌کار تصفیه‌ی ششصد تن تریاکی که در سال گذشته در پاکستان و افغانستان کشت شده، سرگرمند. تولید این مقدار هرویین، پاکستان را به‌دومین کشور تولیدکننده‌ی جهان پس از برمه و «مثلث طلایی» تبدیل کرده است.

مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر بر سر راه عرضه‌ی هرویین به‌وسیله‌ی این لابراتوارهای متحرک قرار دارد، کمبود تریاک نیست، بلکه عدم دسترسی به «استیک آن هیدرید» کافی برای تصفیه‌ی تریاک و تبدیل آن به هرویین است. توقیف دو محموله‌ی بزرگ از این ماده‌ی شیمیایی، منطقه را با کمبود روبه‌رو ساخته است.

ایالت‌های متحد تایید کرده است که دولت پاکستان حداکثر تلاش را برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر انجام می‌دهد. اما، دیپلمات‌های مقیم اسلام‌آباد می‌گویند که پاکستان ممکن است به کلمبیای دیگری تبدیل شود. در کلمبیا، کارتل کوکایین، علنی سرگرم جنگ مسلحانه با دولت این کشور است و قدرت مواد مخدر، بسیاری از مقاومت‌های دولتی این کشور را فاسد کرده است. یکی از این دیپلمات‌ها می‌گویند: «سال‌هاست که ما به آن‌ها می‌گوییم، به کلمبیا نگاه کنید! اگر این وضعیت ادامه یابد، کشور

شما نیز به کلمبیای دیگری تبدیل خواهد شد.»

کارشناسان مواد مخدر حدس می‌زنند که رهبری باندهای قاچاق هرویین در دست ۲۰ نفر است. تعدادی از آنها هیچ‌گونه رابطه‌ای با دولت و دستگاه‌های دولتی ندارند، اما هشت یا نه تن از ایشان عضو پارلمان هستند. با وجود اعمال فشار دولت برای مجبور ساختن کشاورزان فقیر به عدم کشت خشخاش، سال گذشته نسبت به سال قبل از آن، خشخاش بیش‌تری کشت شد و تمامی شواهد حاکی از آن است که کشت امسال نیز در هر دو سوی مرز از سال گذشته فراتر خواهد رفت. یک کارشناس در پیشاور می‌گوید «تمام کسانی که با آنها صحبت کرده‌ام می‌گویند که نمی‌توانند از کشت خشخاش دست بردارند زیرا این تنها فرصت برای پولدار شدن است.»

در حال حاضر، گیاه خاردار خشخاش رشد کرده و دشت‌های این منطقه را پوشانده است. با تعطیل شدن مدارس پناهندگان افغانی حدود هفتاد درصد دانش‌آموزان برای جمع‌آوری محصول خشخاش به مناطق مرزی افغانستان بازمی‌گردند.

دیپلمات‌های مقیم پاکستان می‌گویند به نظر می‌رسد دولت در مقابله با مواد مجوز جدی باشد اما، محافظه‌کارانه‌ترین رقم‌ها نشان می‌دهد که ۱/۲ میلیون معتاد به هرویین در پاکستان وجود دارد و دو سوم هرویین تولید شده در پاکستان در داخل کشور مصرف می‌شود. از چند سال قبل، در زمان صدارت «نواز شریف»، وزارت‌خانه‌ای برای حل مسأله‌ی مواد مخدر تاسیس شده است. اما، کارشناسان خارجی و داخلی معتقدند این تلاش‌ها تاکنون به دلیل فساد گسترده‌ی مقام‌های دولتی بی‌اثر بوده است. یکی از این کارشناسان می‌گوید: «افراد شاغل در قوه‌ی قضاییه و نیروهای نظامی پاکستان برای این‌که زنده بمانند و ثروتمند شوند، باید «مستقلانه» عمل کنند.»

یک سوم باقی‌مانده‌ی مواد مخدر تولید شده در پاکستان بیش‌تر به مقصد بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی ارسال می‌شود. اما هرویین قهوه‌ای پاکستان که از طریق سیگار استعمال می‌شود، در ایالت‌های متحد و اروپا خریدار چندانی ندارد. معتادان این مناطق، هرویین سفید را که از طریق تزریق استعمال می‌شود، ترجیح می‌دهند.

حجم بزرگی از این مواد، از طریق ایالت بلوچستان پاکستان صادر می‌شود و مقدار کمی نیز از مسیر هند، به وسیله‌ی هواپیما یا کشتی ارسال می‌شود. بارگیری این محموله‌ها نیز از بندر کراچی و یا سواحل دورافتاده‌ی دریای عرب صورت می‌گیرد.

در اکتبر، شبه نظامیان مرزی بلوچستان در چند کیلومتری مرز افغانستان به طور تصادفی به محموله‌ی بسیار بزرگی از هرویین بسیار مرغوب در یک قطار برخوردند. این مواد که ۱/۷ تن هرویین و حدود هفت تن حشیش را شامل می‌شد در کیسه‌هایی با آرم گندم آمریکا بسته‌بندی شده بود. این عملیات و عملیات مشابه دیگری که به وسیله‌ی گارد مرزی پاکستان انجام شد، قاچاقچیان مواد مخدر را وادار ساخت که تاکتیک خود را تغییر دهند و به جای کاروان‌های بزرگ مسلح به موشک انداز و آتش بار ضد هوایی، از گروه‌های کوچک استفاده کنند.

یک کارشناس خارجی می‌گوید: «آن‌ها پیش از این بسیار سازمان یافته عمل می‌کردند و دارای اتوموبیل‌های پیشقراول، خودروهای دیده‌بان و کامیون‌های باری بودند. آن‌ها همچنین به خودروهای مسلحی مجهز بودند که قادر بودند کیلومترها با یکدیگر فاصله‌ی رادیویی برقرار سازند.

بنابر گزارش‌ها دریافتی از «دره‌ی هلمند» واقع در جنوب غربی افغانستان، کشت خشخاش، پس از یک دوره ممنوعیت، دوباره در این منطقه آغاز شده است. کشت مجدد خشخاش در پی ترور یکی از فرماندهان مجاهدین که کشت آن را در منطقه ممنوع ساخته بود، دوباره آغاز شد.

وقتی «ناظم آخوندزاده» در حومه‌ی پیشاور به ضرب گلوله از پای در آمد، برادرش «رسول» جای او را گرفت و ممنوعیت کشت خشخاش را لغو کرد. به پیش‌بینی صاحب‌نظران، امسال کشت خشخاش در افغانستان، نسبت به سال قبل، سی درصد افزایش خواهد یافت.

— این مقاله براساس گزارش خیرگزاری‌های مختلف تنظیم شده است.

به چیستا کمک کرده‌اند

بانو همایون کیخانزاده

۱۷۰/۰۰۰ ریال

با تشکر